

دهه دیگری که هدر رفت

تی‌یری لمارسکی‌یر و ممتاز ککلیک

بحران اقتصادی اواخر دهه نود ژرف‌تر از بحران ده سال پیش بروز کرده است. فقرای جهان چگونه می‌توانند از خطرات ناپایداری یک اقتصاد جهانی جان سالم به در برند؟

در انتهای دهه هشتاد میلادی وقتی که کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا در آستانه تبدیل شدن به الگوی اقتصادی برای سایر کشورها بودند، کشورهای جنوب صحرای افریقا و امریکای لاتین با مشقت بسیار دهه‌ای هدر رفته را پشت سر می‌نهادند.

در سال‌های دهه نود زنجیره‌ای از مصایب - بحران اقتصادی، بدهکاری و مشکلات سیاسی - دستاورد تلاش بیست ساله این کشورها را به نابودی کشاند و اقشار تازه‌ای از مردم را در فقر غوطه‌ور ساخت. به همین منوال، نگاهی کلی و گذرا به مصایبی که در این دهه پهنه جهان را درنوردیده است امید کاهش محسوس فقر جهانی را در آستانه هزاره سوم میلادی نقش بر آب می‌کند.

بحرانی که از ۱۹۹۷ شرق آسیا را در خود گرفته است با سرعتی برق آسا حاصل زحمات و کوشش‌های ۳۰ ساله اخیر را به مخاطره می‌اندازد. در کشورهای سابقاً سوسیالیست اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق آنچه مؤدبانه مرحله «گذار» نامیده شده است فقدان زیر بنایی اقتصادی، قانونی و سیاسی لازم برای ورود به اقتصاد آزاد بود که منجر به سقوط دستمزدها و رشد سرسام‌آور اختلاف درآمدها شد. در جنوب صحرای افریقا شیوع بیماری ایدز امیدهایی را که از سرگیری رشد در چند کشور به پا کرده بود به یأس مبدل ساخت. آیا دهه نود دهه‌ای از دست رفته است؟

همزمان با پشت سر نهادن سال‌های هشتاد میلادی علی‌رغم ناکامی‌هایی اقتصادی، پیشرفت در زمینه‌هایی چون سوادآموزی بزرگسالان، افزایش امید به زندگی و کاهش مرگ و میر کودکان به ماکمک کرد تا اثرات منفی کاهش درآمدها را محدود کنیم. اما متأسفانه در بحران اقتصادی آسیای خاوری و مرحله «گذار» اروپای شرقی و کشورهای جنوب صحرای آفریقا موفقیتی حاصل نشده است، چرا؟

اثرات کوتاه مدت بحران اقتصادی را می‌توان با تدابیر اقتصادی خرد و کلان تخفیف داد - تدابیری چون استمرار هزینه‌های رفاه اجتماعی و افزایش حمایت‌های اجتماعی - اما وقتی بحران چنان شدید است که غالب پیشرفت‌های به دست آمده در زمینه توسعه انسانی را نابود می‌کند، شرایط بسیار متفاوت است؛ در این صورت راه‌حل‌ها نه

تنها مستلزم استفاده از تدابیر کلاسیک اقتصادی هستند بلکه نیازمند اقدامی درازمدت برای تدوین سیاست اجتماعی مؤثرتر و اصلاح نهادهایی است که نهایتاً باز توزیع عادلانه درآمدها را ممکن خواهد کرد.

مبارزه با فقر به طور عام به زمانی بیشتر از مبارزه با فقط فقر مالی نیازمند است احتمالاً این ناهمخوانی در کشورهایی با اقتصاد ناپایدار از آن هم شدیدتر باشد مثل کشورهای آسیای شرقی، یا کشورهایی که نظام اجتماعی - اقتصادی متحمل ضربه‌های شدید شده است مانند اتحاد شوروی سابق و یا کشورهایی که توسعه انسانی تا تحقق یافتن فاصله‌ای بسیار دارد مانند کشورهای جنوب صحرای افریقا.

اثرات کوتاه‌مدت بحران اقتصادی را می‌توان با تدابیر گوناگون تخفیف داد. با راه‌حلهایی چون حفظ و استمرار هزینه‌های رفاه اجتماعی و گسترش محدوده‌های تأمین اجتماعی.

قابلیت شگفت‌انگیز وارونه شدن موفقیت‌هایی که ظاهراً در زمینه مبارزه با فقر حاصل شده است، به یکباره «پایداری» سیاست‌هایی را که تاکنون در این زمینه اتخاذ شده است و نیز سیاست‌هایی را زیر سؤال می‌برد که باید از این پس برای مقابله با پیامدهای درازمدت انسانی بحران‌هایی اتخاذ شوند که در عرصه اقتصاد می‌توان آنها را نسبتاً به سرعت حل کرد. دستور کار عامل در آستانه قرن بیست و یکم، پیش‌بینی تمهیداتی است برای تضمین امنیت انسانی در رویارویی با مخاطرات اقتصاد جهانی.

۴/۴ میلیون نفر در کشورهای

در حال رشد یعنی نزدیک

به ۳/۵ میلیون جمعیت جهان

فاقد بهداشت ابتدایی‌اند،

تقریباً ۱/۳ جمعیت جهانی

به آب پاکیزه دسترسی ندارند

و ۱/۴ جهانیان از مسکن

مناسب محروم‌اند.